



نقشه راه ایران قوی در جنگ ترکیبی

خوانشی تفصیلی بره سیاست راهبردی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقشه راه ایران قوی در جنگ ترکیبی

خوانشی تفصیلی بر ۱۰ سیاست راهبردی



مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم

عنوان تک نگاشت:

نقشه راه ایران قوی در جنگ ترکیبی

خوانشی تفصیلی برهه سیاست راهبردی

تاریخ گزارش:

شهریور ۱۴۰۴



یافته‌های اساسی

❖ ۱. حکمرانی کلاسیک، دیگر پاسخگو نیست و ضرورت بازمهندسی ساختارها بیش از پیش احساس می‌شود. نظام اداری و بوروکراتیک فعلی که برای شرایط عادی طراحی شده، در وضعیت جنگی به یک آسیب‌پذیری مرگبار تبدیل می‌شود. برای بقا و پیشرفت، یک دگردیسی ساختاری از حکمرانی متمرکز و کند به یک مدل دوگانه، «سخت در مرکز، منعطف در محیط»، الزامی است. این مدل با تفویض اختیار به سطوح محلی، تاب‌آوری ملی را در برابر شوک‌های امنیتی و اقتصادی به شدت افزایش داده و سرعت پاسخ به بحران را به شکل چشمگیری بالا می‌برد.

❖ ۲. مردم «سرمایه راهبردی» هستند و جمعیت تحت تکفل دولت نیستند. به همین جهت، لزوم فعال‌سازی قدرت ملی به واسطه نیرو و حضور مردم بیش از هر زمان دیگری وجود دارد. بزرگترین خطای راهبردی نادیده گرفتن ظرفیت عظیم و تعیین‌کننده مردم و نگاه کردن به آن‌ها صرفاً به عنوان مصرف‌کننده خدمات دولتی است. پیروزی در جنگ ترکیبی تنها با مردمی‌سازی امنیت و اقتصاد ممکن است. دکترین دفاعی کشور باید بر فعال‌سازی هسته‌های کوچک، چابک و مؤمن مردمی در تمام عرصه‌ها، از فناوری و فرهنگ تا امنیت و تولید، استوار گردد. در این پارادایم دولت نقش میدان‌دار و هادی را ایفا می‌کند نه تصدی‌گر که فضا را می‌بندد.

♦ ۳. اقتصاد مقاومتی یک انتخاب نیست بلکه «سنگر بقا» در روزهای پیش رو است. آسیب‌پذیری‌های اقتصادی کشور در سه حوزه «خام‌فروشی»، «وابستگی در امنیت غذایی» و «شکنندگی در زنجیره انرژی» متمرکز شده است. استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی ممکن نیست. از این رو هرگونه تخصیص منابع (به‌ویژه ارز) به امور غیرضروری به مثابه خالی کردن این سنگر است. کنترل مطلق بر منابع ارزی، تکمیل زنجیره ارزش، خودکفایی در کالاهای اساسی و متنوع‌سازی مبادی تامین، از حالت توصیه‌های اقتصادی خارج شده و به یک ضرورت حیاتی در سطح امنیت ملی بدل شده‌اند.

♦ ۴. جنگ روایت‌ها مقدم بر هر جنگ دیگری است. دشمن پیش از هر اقدامی ذهن و اراده ملت را هدف قرار می‌دهد. اگر مردم از ابعاد، اهداف و ماهیت واقعی جنگی که در آن قرار دارند آگاه نباشند، هرگونه سیاست مقاومتی به شکست می‌انجامد. ایجاد یک درک مشترک ملی از شرایط و اقناع عمومی نسبت به ضرورت تحمل سختی‌ها برای رسیدن به اهداف بزرگتر مهم‌ترین وظیفه دستگاه حاکمیتی و رسانه‌ای است. این آگاهی سوخت اصلی موتور مقاومت ملی است و بدون آن بهترین راهبردها نیز بر روی کاغذ باقی خواهند ماند.



مقدمه

دوران حکمرانی کلاسیک با تکیه بر ساختارهای صلب بوروکراتیک و ذهنیت‌های معطوف به شرایط عادی به سر آمده است. جمهوری اسلامی ایران امروز نه در وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، که در قلب یک نبرد ترکیبی و تمام‌عیار قرار دارد. جنگی که جبهه‌های آن از بازارهای ارز و تنگه‌های راهبردی تا پلتفرم‌های مجازی و ذهن تک‌تک شهروندان گسترده شده است. ادامه مسیر بارویه‌ها و فرآیندهای پیشین نباید ادامه پیدا کند و از حیث تاکتیکی و راهبردی باید سیاست‌هایی که آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و گسل‌های اجتماعی را به پاشنه آشیل امنیت ملی بدل می‌سازد، در مسیر متفاوتی قرار دهد. اما نه مسیری که بعضی از جریان‌های منفعل و سرخورده ارائه می‌کنند، بلکه مسیری که سیاست‌های اقدار آفرین و تمدن‌ساز را تقویت و هموار می‌سازد.

متن پیش رو تلاش دارد جهت بازمهندسی قدرت ملی و ترسیم نقشه راه گذار از وضعیت پدافندی به یک آرایش فعال و مقاوم توصیه‌هایی داشته باشد. این نوشتار نشان می‌دهد که پیروزی در این نبرد پیچیده، در گرو یک دگردیسی بنیادین در سه لایه حیاتی است. اول در «ساختار حکمرانی». با عبور از تمرکزگرایی فلج‌کننده به سمت یک مدل چابک، شبکه‌ای و منعطف که قدرت تاب‌آوری و سرعت واکنش را در برابر بحران‌ها تضمین کند. دوم در «رابطه حاکمیت و مردم». با تغییر پارادایم از نگاه به مردم به عنوان جامعه هدف، به فعال‌سازی آن‌ها به مثابه بزرگترین سرمایه راهبردی و رکن اصلی نبرد نامتقارن. و سوم در «شریان‌های اقتصادی». با قطع کامل وابستگی به خام‌فروشی و مدیریت جهادی منابع استراتژیک همچون ارز، غذا و انرژی به مثابه مهمات جنگی.



جهان معاصر صحنه تقابلی پیچیده و چندلایه میان قدرت‌های استکباری و ملت‌های آزاده است. در این میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان کانون بیداری اسلامی و محور مقاومت، قریب به نیم قرن است که در خط مقدم یک نبرد مستمر تمدنی قرار دارد. این نبرد دیگر صرفاً در ابعاد نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه جنگی ترکیبی و تمام عیار است که تمامی شئون حیات ملی، از اقتصاد و فرهنگ گرفته تا سیاست و امنیت را در برمی‌گیرد. دشمن با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای خود، از تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی تا عملیات‌های روانی و شناختی، از حمایت از فتنه‌های داخلی تا تروریسم دولتی، به دنبال شکستن اراده ملت ایران و براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

در چنین شرایطی که کشور عملاً در یک وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بلکه در یک «جنگ دائمی غیررسمی» به سر می‌برد، تداوم حکمرانی با ساختارها، رویه‌ها و ذهنیت‌های دوران عادی، خطایی استراتژیک است. شرایط «آستانه جنگ» صرفاً یک وضعیت اضطراری و موقت نیست، بلکه مختصات دوران جدیدی از تاریخ جهان و انقلاب اسلامی است که در آن هر لحظه غفلت می‌تواند بهای سنگینی در پی داشته باشد.

بنابراین، گذار از حکمرانی متعارف به یک «حکمرانی در شرایط جنگی» یا به تعبیر دقیق‌تر، استقرار یک «نظام حکمرانی فعال و مقاوم» یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت حیاتی برای بقا، پیشرفت و تحقق آرمان‌های والای انقلاب است. در ادامه ده توصیه راهبردی ارائه شده نقشه راهی برای این گذار تمدنی است. این توصیه‌ها نه صرفاً مجموعه‌ای از اقدامات واکنشی و پدافندی، بلکه چارچوبی برای بازآرایی ساختار قدرت ملی، فعال‌سازی ظرفیت‌های خفته و تبدیل تهدیدها به فرصت‌هایی برای جهش و اعتلای کشور است. در ادامه هریک از این اصول راهبردی به تفصیل شرح و بسط داده می‌شود.

بخش اول: بازتعریف ساختار و فرآیندهای حکمرانی

۱. توجه به گسل‌های درونی و آمادگی برای شرایط اضطراری

حکمرانی در معرض جنگ به معنی التفات به گسل‌های درونی ژئوپلیتیک کشور و آماده نگه داشتن کشور برای شرایطی است که این گسل‌ها فعال شوند.

★ تبیین راهبردی

عمیق‌ترین و کارآمدترین استراتژی دشمن همواره بهره‌برداری از نقاط ضعف و شکاف‌های داخلی بوده است. این «گسل‌ها» صرفاً محدود به مرزهای جغرافیایی یا تفاوت‌های قومی و مذهبی نیستند. این گسل‌ها شامل شکاف‌های اقتصادی (فقر و غنی)، تضادهای اجتماعی (نسل‌ها، سبک‌های زندگی)، رقابت‌های سیاسی مخرب (جناحی، باندى)، ناکارآمدی‌های بوروکراتیک و هر نقطه‌ای است که بتواند انسجام ملی را تضعیف کرده و جامعه را دچار فروپاشی درونی سازد. دشمن با رصد دقیق این گسل‌ها از طریق جنگ شناختی، عملیات روانی و حمایت از جریان‌های معاند داخلی، تلاش می‌کند تا با ایجاد یک فشار کنترل‌شده، این گسل‌ها را فعال و کشور را از درون دچار بحران و هرج و مرج کند. فتنه‌های سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و به‌ویژه اغتشاشات ۱۴۰۱، نمونه‌های بارزی از تلاش دشمن برای فعال‌سازی همین گسل‌های اجتماعی و سیاسی بودند.

★ راهکارها

«ایجاد «نظام جامع گسل‌های ملی»: نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و مراکز راهبردی موظف‌اند با همکاری جامعه‌شناسان و تحلیلگران متعهد، یک نظام جامع و به‌روز از تمامی گسل‌های بالقوه در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قومی، مذهبی) تهیه کنند. این نظام‌نامه باید شامل سناریوهای مختلف فعال‌سازی این گسل‌ها توسط دشمن و راهکارهای پیش‌دستانه برای خنثی‌سازی آن‌ها باشد.

« **تقویت عدالت و کاهش شکاف‌های اقتصادی:** اصلی‌ترین عامل فعال‌سازی بسیاری از گسل‌ها احساس بی‌عدالتی و تبعیض است. دولت باید با اجرای بهتر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مبارزه بی‌امان با فساد، توزیع عادلانه منابع و تمرکز بر توانمندسازی اقشار ضعیف، بستر نارضایتی‌های اقتصادی را که دشمن از آن سوءاستفاده می‌کند بشکاند. اقداماتی نظیر برخورد با احتکارکنندگان برنج یا داستان اخیر برای یکی از آئمه‌های جمعه، اتفاقات مثبتی در این راستا بودند.

« **تقویت انسجام ملی و هویت ایرانی-اسلامی:** رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و آموزشی باید به صورت هماهنگ و هوشمندانه بر اشتراکات ملی و اسلامی تأکید کرده، روایت‌های وحدت‌بخش را ترویج دهند و با هرگونه تفکر تجزیه‌طلبانه یا واگرایانه مقابله فرهنگی و تبیینی کنند. تقویت گفتمان «ایران قوی» به عنوان یک آرمان مشترک، می‌تواند همچون سیمانی مستحکم، تمامی اجزای ملت را به هم پیوند دهد.

« **آمادگی برای مدیریت بحران‌های اجتماعی:** باید قرارگاه‌های عملیاتی مدیریت بحران‌های اجتماعی در سطح ملی و استانی ایجاد شود تا در صورت بروز تنش، با رویکردی اقناعی، پیشگیرانه و در عین حال قاطع، مانع از تبدیل اعتراضات به اغتشاشات ویرانگر شوند.

۲. غلبه بر اینرسی و لختی بروکراتیک

در شرایط عادی وابستگی به مناسبات و روندهای موجود قبل از جنگ، اجازه تغییر در فرآیند حکمرانی و تصمیم‌گیری سریع را نمی‌دهد. در وضعیت آستانه جنگ، فرصتی نهفته برای دستگاه اداره کشور وجود دارد که بر روندهای بروکراسی که در شرایط عادی امکان غلبه بر آن‌ها وجود نداشته است، غلبه کنند.

* تبیین راهبردی

نظام اداری کشور به عنوان میراثی از ساختارهای دیوان سالارانه گذشته، اغلب دچار لختی، اینرسی، پیچیدگی‌های بی‌مورد و مقاومت در برابر تغییر است. این بروکراسی تنبل و محافظه‌کار، در شرایط عادی مانع بسیاری از اصلاحات

واقدمات مناسب می‌شود. مسئله‌ای که بارها رهبر معظم انقلاب در جلسه با مسئولان علی‌رتبه تذکر داده‌اند. اما شرایط «آستانه جنگ» به مثابه یک شوک عمل می‌کند که می‌تواند این ساختار فسیل شده را در هم شکسته و زمینه را برای یک «انقلاب اداری» فراهم سازد. همان‌طور که در دوران دفاع مقدس روحیه جهادی و انقلابی بروکراسی کند آن زمان را کنارزد و ناممکن‌ها را ممکن ساخت (مانند ساخت پل بعثت بر روی اروندرود)، امروز نیز می‌توان از همین شرایط اضطراری برای شکستن بن‌بست‌های اداری و استقرار یک نظام اداری چابک، هوشمند و جهادی بهره برد.

★ راهکارها

«تشکیل «ستاد عالی اصلاحات انقلابی در نظام اداری»: این ستاد با اختیارات ویژه و تحت نظر سران قوا، موظف است با حذف قوانین دست‌وپاگیر، کاهش فرآیندهای زائد، الکترونیکی کردن خدمات و تفویض اختیار به مدیران میدانی، سرعت و کارآمدی دستگاه‌های اجرایی را به شکل جهشی افزایش دهد. متولی این ستاد باید شورایی متشکل از دولت‌مردان و نمایندگان مردم در مجلس باشد.

«ایجاد «مسیرهای سبز برای پروژه‌های راهبردی: پروژه‌های کلیدی در حوزه‌های دفاعی، اقتصادی، علمی و فناوری که برای امنیت و اقتدار ملی حیاتی هستند، باید از پیچ‌وخم‌های بوروکراتیک معمول معاف شده و در یک مسیر سریع و ویژه به اجرا درآیند. تشکیل نهادی مانند شورای عالی دفاع شاید بتواند این خلاء را در حوزه دفاعی پوشش دهد، اما در حوزه‌های اقتصادی و فناوری این خلاء بسیار احساس می‌شود.

۳. انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری ساختار حکمرانی

تلفیق حکمرانی سخت در سطح ملی و حکمرانی انعطاف‌پذیر در سطح محلی سبب افزایش تاب‌آوری ساختار حکمرانی، ارتقاء قدرت تصمیم‌سازی در بحران‌ها و کاهش فاصله میان تهدید و پاسخ می‌شود.

★ تبیین راهبردی

یک ساختار حکمرانی متمرکز و صلب در برابر شوک‌ها و حملات یک جنگ ترکیبی بسیار آسیب‌پذیر است. اگر تمام تصمیمات در مرکز گرفته شود، در صورت اختلال در ارتباطات یا حذف مهره‌های کلیدی کل سیستم دچار فلج می‌شود. مدل حکمرانی مقاوم مدلی است که ضمن حفظ وحدت فرماندهی و راهبردهای کلان در سطح ملی (حکمرانی سخت)، به سطوح محلی و استانی اختیارات عملیاتی گسترده‌ای تفویض می‌کند تا بتوانند متناسب با شرایط خاص خود به صورت خلاقانه و سریع به بحران‌ها پاسخ دهند (حکمرانی انعطاف‌پذیر). این مدل شبکه‌ای و توزیع‌شده شبیه به سیستم اعصاب غیرمتمرکز، قدرت تاب‌آوری و بقای سیستم را در برابر حملات دشمن به شدت افزایش می‌دهد. تجربه موفق تشکیل نیروهای بسیج مردمی و جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس، الگویی درخشان از این مدل حکمرانی است.

★ راهکارها

« تقویت استانداردها و فرمانداران به عنوان فرماندهان میدان: باید

اختیارات اجرایی، مالی و امنیتی استانداران در شرایط بحران به شکل معناداری افزایش یابد تا بتوانند به صورت مستقل و سریع، منابع استان را برای مقابله با تهدید بسیج کنند.

« ایجاد شبکه‌های مردمی تاب‌آور: باید با حمایت از گروه‌های جهادی،

هسته‌های مقاومت محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد انقلابی و بسیج محلات، شبکه‌هایی مردمی برای انجام وظایف حیاتی در شرایط اضطراری (مانند توزیع کالا، امنیت محله، امداد رسانی) سازماندهی شوند. این امر ضمن کاهش بار دولت، جامعه را در برابر بحران واکنش‌پذیر می‌کند.

« تمرین و رزمایش‌های مدیریت بحران: باید به صورت دوره‌ای

سناریوهای مختلف بحران (مانند قطعی سراسری برق، حمله سایبری، کمبود کالاهای اساسی) در سطوح محلی شبیه‌سازی شود تا نقاط ضعف سیستم شناسایی و هماهنگی میان دستگاه‌ها افزایش یابد.

بخش دوم: پیوند حاکمیت و مردم به مثابه رمز پیروزی

۴. حکمرانی مشارکتی؛ دولت به مثابه میدان دار و نه صرفاً بازیگر

حکمرانی در معرض جنگ تنها با مشارکت مردم ممکن می‌شود. بدون درگیرکردن مردم در فرآیند حکمرانی هر اقدام دولت در شرایط در معرض جنگ بسیار پرهزینه و گاهی ناممکن خواهد بود.

* تبیین راهبردی

بزرگترین سرمایه راهبردی جمهوری اسلامی ایران «مردم» هستند. پیروزی انقلاب اسلامی پیروزی در هشت سال دفاع مقدس و عبور از فتنه‌های گوناگون، همگی در سایه حضور معجزه‌آسای مردم در صحنه ممکن شده است. در شرایط جنگ ترکیبی، دولت به تنهایی قادر به مقابله با انبوه تهدیدات نیست. تلقی کردن مردم به عنوان موجوداتی منفعل که صرفاً باید از آن‌ها حمایت شود یک خطای محاسباتی مرگبار است. حکمرانی موفق در این شرایط حکمرانی است که دولت را از یک «تصدی‌گر» به یک «میدان‌دار» تبدیل کند. دولت باید بستر را برای نقش‌آفرینی حداکثری مردم در تمامی عرصه‌ها، از تولید تا امنیت، فراهم سازد و خود نقش هماهنگ‌کننده و پشتیبان را ایفا کند. جنگ اقتصادی را نمی‌توان صرفاً با دستورالعمل‌های دولتی برد؛ این جنگ نیازمند حضور میلیون‌ها تولیدکننده، کارگر، کارآفرین و مصرف‌کننده هوشمند در میدان نبرد است.

* راهکارها

« **مردمی‌سازی اقتصاد:** اجرای واقعی سیاست‌های اصل ۴۴، حمایت از تعاونی‌ها، واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی و متعهد، و ایجاد بازارهای رقابتی برای شکستن انحصارات، از جمله اقدامات کلیدی برای مشارکت دادن مردم در اقتصاد است.

« واگذاری امنیت به مردم (امنیت مردم‌پایه): طرح‌هایی مانند «پلیس محله» و «بسیج محلات» باید به شکل جدی تقویت شوند تا مردم خود در تأمین امنیت محل زندگی و کارشان نقش فعال ایفا کنند. این امر ضمن آزاد کردن قوای امنیتی برای مقابله با تهدیدات کلان، حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد.

« استفاده از ظرفیت عظیم گروه‌های جهادی: باید یک سازوکار ملی برای هدایت، پشتیبانی و شبکه‌سازی گروه‌های جهادی در سراسر کشور ایجاد شود تا از انرژی و تخصص این نیروهای مخلص برای حل مشکلات در مناطق محروم و در شرایط بحران استفاده حداکثری به عمل آید.

۵. دکترین نبرد ناهمگون شاه‌کلید پیروزی در جنگ ترکیبی

ایران در این جنگ نامتقارن باید رکن اصلی دکترین دفاعی خود یعنی هسته‌های مردمی را در همه زمینه‌های امنیتی، فناوری، دانش، فرهنگی و سیاسی فعال کند.

* تبیین راهبردی

دشمن در بسیاری از حوزه‌های کلاسیک (اقتصادی، نظامی) دارای برتری‌های مادی و کمی است. تلاش برای رویارویی متقارن و آینه‌ای با دشمن، ورود به زمینی است که او در آن دست برتر را دارد و منجر به فرسایش و شکست خواهد شد. رمز پیروزی جمهوری اسلامی همواره در به‌کارگیری «منطق نامتقارن» بوده است. همان‌طور که در عرصه نظامی با توسعه توان موشکی و پهپادی و استراتژی جنگ نامتقارن دریایی هیمنه نظامی آمریکا شکسته شد، در سایر عرصه‌ها نیز باید از همین منطق پیروی کرد. رکن اصلی این نبرد نامتقارن «هسته‌های مردمی» هستند. هسته‌های کوچک، چابک، مومن، خلاق و باانگیزه‌ای که می‌توانند در تمامی زمینه‌ها، از علم و فناوری تا فرهنگ و رسانه، قواعد بازی را به نفع جبهه حق تغییر دهند. این هسته‌ها همان «آتش به اختیار»‌های مورد تأکید رهبر معظم انقلاب هستند.

★ راهکارها

« حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و هسته‌های فناورانه: باید با تمام توان از جوانان نخبه و شرکت‌های دانش‌بنیانی که در حال شکستن انحصارهای فناوری دشمن و دور زدن تحریم‌ها هستند حمایت مالی، حقوقی و معنوی شود. این‌ها فرماندهان خط مقدم جنگ علمی و فناوری هستند.

« تقویت جبهه فرهنگی انقلاب در فضای مجازی: به جای تلاش برای فیلترینگ منفعلانه یا توهین و نسبت‌های ناروا به استفاده‌کنندگان از یک شبکه مجازی داخلی، باید با حمایت از هسته‌های تولید محتوای خلاق، مومن و حرفه‌ای، جنگ روایت‌ها را در فضای مجازی به نفع گفتمان انقلاب اسلامی پیش برد و کنش‌گری فعال و تهاجمی داشت.

« فعال‌سازی دیپلماسی عمومی و مردمی: باید با استفاده از ظرفیت نهادهای مردمی، نخبگان و دانشجویان جهان اسلام و ملت‌های آزاده، پیام انقلاب اسلامی را به گوش جهانیان رساند و شبکه‌ای جهانی از حامیان مقاومت ایجاد کرد.

۶. اقناع و آگاهی‌بخشی به مردم

مردم در شرایط در معرض جنگ، بدون اینکه گرفتار تشویش شوند، باید آگاه شوند که شرایط کشور عادی نیست. مردم باید بدانند این جنگ بر سرنوشت آینده منطقه و نبردی بر سر استقلال و بلکه موجودیت ایران است.

★ تبیین راهبردی

بزرگترین خطر در شرایط جنگی بی‌تفاوتی یا ناآگاهی مردم نسبت به عمق تهدیدات است. اگر مردم شرایط را عادی بپندارند و سختی‌ها را ناشی از ناکارآمدی داخلی صرف بدانند، سرمایه اجتماعی نظام فرسوده شده و دشمن به هدف خود که ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت است، دست می‌یابد. از

سوی دیگر، ایجاد ترس و اضطراب بی‌مورد نیز جامعه را دچار انفعال و فلج می‌کند. هنر حکمرانی در این شرایط، ایجاد «آگاهی توأم با آرامش» و «نگرانی توأم با امید» است. این مهم، از طریق «جهاد تبیین» محقق می‌شود. مردم باید به روشنی و صداقت بدانند که در یک جنگ تمام‌عیار قرار دارند، مشکلات اقتصادی موجود صرفاً ناشی از سوءمدیریت نیست بلکه بخشی از فشار حداکثری دشمن است، و هدف این جنگ نه یک موضوع سیاسی زودگذر، بلکه «استقلال»، «عزت» و «موجودیت» ایران اسلامی است. آگاهی از این واقعیت، سختی‌ها را برای مردم معنادار و قابل تحمل می‌کند و آن‌ها را از یک ناظر منفعل به یک رزمنده مقاوم تبدیل می‌نماید.

★ راهکارها

« ایجاد قرارگاه مرکزی رسانه و جنگ شناختی: این قرارگاه باید با حضور

مسئولان ارشد، کارشناسان رسانه و متخصصان جنگ نرم، روایت‌های کلان و استراتژیک نظام را برای مقابله با جنگ شناختی دشمن تدوین کرده و به صورت هماهنگ از طریق تمامی تریبون‌های رسمی و غیررسمی (صداوسیما، ائمه جمعه، فعالان فضای مجازی) در جامعه منتشر نماید.

« گفتگوی صادقانه و مستمر با مردم: مسئولان باید به صورت مداوم و

شفاف با مردم سخن بگویند، ابعاد مختلف جنگ اقتصادی و ترکیبی را برای آن‌ها تشریح کنند، دستاوردهای مقاومت را بازگو نمایند و برای حل مشکلات از خود مردم کمک بخواهند.

« تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای هدفمند: ساخت فیلم، سریال، مستند و

سایر محصولات فرهنگی که مقاومت ملت ایران در برابر فشارها و ابعاد جنگ ترکیبی دشمن را به تصویر می‌کشد، می‌تواند به تعمیق آگاهی و تقویت روحیه مقاومت در جامعه کمک شایانی نماید.

بخش سوم: الزامات راهبردی اقتصادی

۷. از خام‌فروشی به تولید ارزش افزوده

اقتصاد خام‌فروش و نیمه‌خام‌فروش ما باعث می‌شود تا نتوانیم محصولاتی با ارزش افزوده بالاتر تولید کنیم. بدون چنین تولیدی تداوم سیاست مقاومت و استقلال دشوار خواهد بود.

★ تبیین راهبردی

وابستگی به درآمدهای نفتی و خام‌فروشی، پاشنه آشیل اقتصاد ایران و نقطه فشار اصلی دشمن در جنگ اقتصادی است. اقتصادی که حیات آن به نوسانات قیمت نفت یا اراده سیاسی چند قدرت جهانی گره خورده باشد، اقتصادی شکننده و آسیب‌پذیر است. «اقتصاد مقاومتی» یعنی تغییر این پارادایم. یعنی حرکت از اقتصادی که مواد خام را به ثمن بخش صادر می‌کند، به سمت اقتصادی که با تکیه بر دانش، فناوری و خلاقیت جوانان خود، مواد خام را به محصولات با ارزش افزوده بالا تبدیل کرده و آن را به جهان صادر می‌کند. این گذار نه تنها کشور را در برابر تحریم‌های نفتی واکسینه می‌کند، بلکه با ایجاد اشتغال پایدار و تولید ثروت واقعی، قدرت چانه‌زنی کشور در عرصه بین‌المللی را به شدت افزایش می‌دهد. استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی یک شعار توخالی است.

★ راهکارهای تفصیلی

«تکمیل زنجیره‌های ارزش: دولت باید با ارائه مشوق‌های هدفمند (مالیاتی، تسهیلاتی)، سرمایه‌گذاران را به سمت تکمیل زنجیره ارزش در صنایع کلیدی مانند پتروشیمی، فولاد و معادن هدایت کند. به جای صادرات نفت خام، باید فرآورده‌های پتروشیمیایی پیچیده صادر شود.

«توسعه صادرات غیرنفتی و خدمات فنی-مهندسی: باید تمام موانع بوروکراتیک از سر راه صادرکنندگان محصولات غیرنفتی و خدمات فنی-

مهندسی برداشته شود و رایزنان بازرگانی در سفارتخانه‌ها موظف به بازاریابی فعال برای محصولات ایرانی شوند.

« سرمایه‌گذاری سنگین در تحقیق و توسعه: هیچ کشوری بدون سرمایه‌گذاری در دانش و فناوری به ارزش افزوده بالادست نیافته است. بوجه مراکز تحقیقاتی و شرکت‌های دانش‌بنیان باید به شکل جهشی افزایش یابد.

۸. امنیت انرژی و قطع وابستگی گازی

بازاندیشی در زنجیره تأمین انرژی و کاستن تدریجی از وابستگی کشور به گاز در تمامی سطوح و تمام گستره جغرافیایی ایران باید مدنظر تصمیم‌گیران قرار گیرد.

★ تبیین راهبردی

اگرچه ایران دارنده یکی از بزرگترین ذخایر گازی جهان است، اما تمرکز بیش از حد بر مصرف گاز در بخش خانگی، صنعتی و نیروگاهی، کشور را در برابر تهدیدات آسیب‌پذیر کرده است. هرگونه اختلال در شبکه تولید یا انتقال گاز (چه بر اثر حوادث طبیعی و چه بر اثر خرابکاری دشمن) می‌تواند کشور را با بحران جدی انرژی مواجه سازد. استراتژی هوشمند، متنوع‌سازی سبد انرژی کشور است. این به معنای نادیده گرفتن نعمت گاز نیست، بلکه به معنای استفاده بهینه از آن (عمدتاً به عنوان خوراک پتروشیمی‌ها برای خلق ارزش افزوده) و توسعه همزمان سایر منابع انرژی مانند انرژی هسته‌ای، خورشیدی، بادی و بهینه‌سازی مصرف است.

★ راهکارها

« تسریع در ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای جدید: انرژی هسته‌ای پاک، پایدار و مستقل از شرایط اقلیمی است و می‌تواند بخش قابل توجهی از برق پایه کشور را تأمین کند.

« سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر: ایران با داشتن مناطق وسیع کویری و آفتابی، پتانسیل عظیمی برای تولید برق خورشیدی دارد که باید با جدیت دنبال شود.

« اجرای پروژه‌های ملی بهینه‌سازی مصرف: با اصلاح الگوی مصرف در ساختمان‌ها، صنایع و حمل‌ونقل می‌توان بخش بزرگی از مصرف انرژی را بدون کاهش رفاه مدیریت کرد. این خودبه‌مثابه یک منبع عظیم انرژی است.

۹. امنیت غذایی و دیپلماسی غذایی

برخی کالاهای اساسی و نیازهای غذایی کشور از کشورها و شرکت‌هایی تأمین می‌شود که در مدار اقتصاد سیاسی اردوگاه آنگلو ساکسونی قرار دارند. از این جهت نیاز به ائتلاف‌های جدیدی از نیروهای متعهد و مولد برای حضور در عرصه امنیت غذایی کشور لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

* تبیین راهبردی

امنیت غذایی یکی از ارکان کلیدی امنیت ملی است. کشوری که برای تأمین نان مردمش به دیگران وابسته باشد، استقلال سیاسی‌اش نیز در معرض تهدید قرار دارد. وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک مانند گندم، جو، ذرت و دانه‌های روغنی از کشورهایی که در اردوگاه دشمن قرار دارند، به آن‌ها یک اهرم فشار قدرتمند علیه ما می‌دهد. در شرایط بحران، این کشورها می‌توانند با قطع صادرات، جامعه را با بحران قحطی و ناآرامی مواجه کنند. بنابراین، تأمین امنیت غذایی از طریق دو راهبرد همزمان «خودکفایی در محصولات استراتژیک» و «متنوع‌سازی مبادی واردات» یک اولویت حیاتی است.

* راهکارها

« اجرای الگوی کشت ملی: وزارت جهاد کشاورزی باید با استفاده از ابزارهای حمایتی و قیمتی، کشاورزان را به سمت کشت محصولات استراتژیک مورد نیاز کشور هدایت کند.

« مدیریت منابع آب: با توجه به بحران آب، خودکفایی باید هوشمندانه و با تمرکز بر افزایش بهره‌وری، کشت گلخانه‌ای و استفاده از روش‌های نوین آبیاری دنبال شود.

« ائتلاف‌سازی با کشورهای دوست و همسو: باید با کشورهای عضو محور مقاومت، کشورهای همسایه و قدرت‌های نوظهور مانند روسیه و چین، قراردادهای بلندمدت برای تأمین کالاهای اساسی و ایجاد کریدورهای لجستیکی امن منعقد کرد تا انحصار اردوگاه غرب در بازار جهانی غذا شکسته شود. این امر به معنای «دیپلماسی غذایی» فعال است.

۱۰. کنترل ارز و مدیریت واردات و صادرات

اختصاص ارز به کالاهای غیرضروری اگر در شرایط دیگر اقدامی مفید باشد، قطعاً در این شرایط نمی‌تواند توجیهی داشته باشد. نظارت و کنترل دقیق بر صادرات و واردات و بازارهای مبادله ارز و طلا، از اقدامات ضروری در این شرایط است.

* تبیین راهبردی

در شرایط جنگ اقتصادی، «ارز» به مثابه خون در بدن اقتصاد کشور و یک منبع راهبردی و محدود است. اختصاص این منبع حیاتی به واردات کالاهای لوکس و غیرضروری، به معنای هدر دادن خون اقتصاد و کمک مستقیم به دشمن است. دولت باید با قاطعیت، مدیریت و کنترل کاملی بر منابع ارزی کشور داشته باشد. اولویت تخصیص ارز باید با کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، مواد اولیه کارخانجات و ماشین‌آلات ضروری برای تولید باشد. بازار ارز نباید به یک جولانگاه برای سفته‌بازی و خروج سرمایه تبدیل شود. کنترل دقیق بر بازار ارز و طلا و نظارت هوشمند بر فرآیند صادرات و واردات (برای جلوگیری از کم‌فروشی یا بیش‌بود ارزش) از ارکان اصلی دفاع از ارزش پول ملی و ثبات اقتصادی در شرایط جنگی است.

★ راهکارها

« اولویت‌بندی واردات و ممنوعیت کالاهای غیرضرور: لیست کالاهای وارداتی باید به دقت پالایش شده و واردات هر کالایی که مشابه داخلی دارد یا در دسته کالاهای لوکس و غیرضروری قرار می‌گیرد، ممنوع یا مشمول تعرفه‌های بسیار سنگین شود.

« پیمان‌سپاری ارزی سختگیرانه: تمامی صادرکنندگان موظف‌اند ارز حاصل از صادرات خود را در یک چارچوب زمانی مشخص و از طریق سازوکارهای تعیین‌شده به چرخه اقتصاد کشور بازگردانند. با متخلفان باید به شدت برخورد شود.

« مبارزه با قاچاق کالا و ارز: مرزهای کشور باید به صورت هوشمند کنترل شده و با شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق که به اقتصاد کشور ضربه می‌زنند، به مثابه یک تهدید امنیتی برخورد شود.



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ده توصیه راهبردی فوق‌الذکر، اجزای یک پازل بزرگ برای گذار جمهوری اسلامی ایران از یک وضعیت پدافندی به یک آرایش فعالانه و مقاوم است. اجرای هماهنگ و یکپارچه این اصول، کشور را نه تنها در برابر شدیدترین طوفان‌های جنگ ترکیبی دشمن ایمن می‌سازد، بلکه با تبدیل تهدیدها به فرصت، زمینه را برای یک جهش بزرگ تمدنی فراهم می‌کند. این مسیر، مسیری دشوار و پراز چالش است. اما تاریخ انقلاب اسلامی نشان داده است که هرگاه ملت و مسئولان با توکل به خداوند، وحدت کلمه و عزمی راسخ وارد میدان شده‌اند، نصرت الهی نیز شامل حالشان شده است. آینده از آن ملت‌هایی است که برای استقلال، عزت و آرمان‌های خود حاضر به پرداخت هزینه باشند. و ملت بزرگ ایران، در این آزمون بزرگ تاریخی، بار دیگر سرافراز و پیروز بیرون خواهد آمد.



تک‌نگاشت

ده توصیه راهبردی، اجزای یک پازل بزرگ برای گذار جمهوری اسلامی ایران از یک وضعیت پدافندی به یک آرایش فعالانه و مقاوم است. اجرای هماهنگ و یکپارچه این اصول، کشور را نه تنها در برابر شدیدترین طوفان‌های جنگ ترکیبی دشمن ایمن می‌سازد، بلکه با تبدیل تهدیدها به فرصت، زمینه را برای یک جهش بزرگ تمدنی فراهم می‌کند.

مرکز
مطالعات
راهبردی
تسنیم

